

تحلیل
محمد خدابهرست



تطبیق ار کان انقلاب در مشروطه و انقلاب اسلامی

# رهبری غیر متحد و اندیشه تجدد عوامل شکست نهضت مشروطه

نهضت مشروطیت در تاریخ ایران معاصر واقعه‌ای بسیار مهم است که تأثیر مهمی بر نظام سیاسی و اجتماعی پس از خود گذاشت. این نهضت با وجود پیروزی‌های اولیه و پیشرفت‌های نخستین نتوانست به عنوان نسخه‌ای مناسب برای مشکلات سیاسی و اجتماعی کشور کاربرد داشته باشد و مسیر ترسیم‌شده برای آن جنبش، با وجود مشکلات اساسی در هدف‌گذاری حتی نتوانست به این اهداف خود نیز پایبند بماند و استبداد نظام سیاسی حاکم، عملاً جل‌گالیدی برای مشروطه باقی نگذاشت. در واقع مشروطیت با هدف کار آمدن پاسخگو ساختن نظام سیاسی ایجاد شده بود اما مبتلا به امراضی شد که خود این جنبش را ناکارآمد کرد.

■ ■ ■

به شکل گیری جنبش مشروطه دو دیدگاه مقابل یکدیگر قرار گرفتند که دیدگاه غالب میل به انطباق ساختار اجتماعی و سیاسی با نظام دموکراسی غرب بود و روشنفکرانی مانند تاقی‌زاده،ملک‌خان، آخوندزاده و…مهم‌ترین تئوریسین‌های آن بودند و دیگری جریان روحانیت که با رویکردهای متفاوتی به این مقوله نزدیک شدند. برخی از ابتدا با مشروطه مخالفت ورزیدند، برخی از همان اول با نهضت مشروطه همکاری و همراهی کردند و تا انتها نیز به حمایت به کم و کیف آن پرداختند و گروهی دیگر نیز ابتدا از حامیان مشروطه بودند که پس از انحراف این جریان به مخالفان آن تبدیل شدند.

با همه این اوصاف بررسی نهضت مشروطه از حیث ویژگی‌های اساسی و تطبیق آن بافرآیند انقلاب اسلامی (در صورتی که مسامحتاً جنبش مشروطه را با وجود اختلافات موجود در تعاریف انقلاب با مایهت جنبش مشروطه عبور داده و آن را به مثابه انقلاب تصور نماییم) می‌تواند از علت پیروزی انقلاب اسلامی و با شکست مواجه شدن انقلاب اسلامی تصویر بهتری ارائه نماید.

■ **ایدئولوژی**

اسلام دینی است کامل که همه ابعاد زندگی فردی و اجتماعی و حوزه‌هایی همچون سیاست، فرهنگ و اقتصاد را در بر می‌گیرد. این دین و قرائت ناب از آن در خواش امام خمینی(ره) و رویکرد احیاگرانه اجتهادمحور تشیع، مبنای حرکت انقلاب اسلامی قرار گرفت و پس از پیروزی توانست با چارچوب مکتبی تحت عنوان «جمهوری اسلامی» و خصوصاً با استقرار نظام ولایت فقیه این رویکرد ایدئولوژیک را حفظ کند.

ایدئولوژی انقلاب اسلامی یک دیدگاه جهانشمول است و برخلاف دیگر تغییرات اجتماعی که غالباً گستره آنها منحصراً به یک ملت است استقلال خواهی و نابودی نظام هژمونیک قدرت‌های جهان و غلبه مستضعفان بر مستکبران را به عنوان مبنای خود قرار داده است.

این ایدئولوژی منسجم انقلابی از سال‌ها پیش از انقلاب و به همت برخی عناصر فکری انقلاب از جمله آیت‌الله مطهری(ره)، آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله)، مرحوم طالقانی، مرحوم شریعتی و در رأس آنان شخص امام خمینی(ره) به عنوان رهبر این تفکر در سطح جامعه ارائه گردید و پشتیبانی جامعه مسلمان ایران را به دست آورد و با همین پشتیبانی توانست بر سایر گفتمان‌ها و ایدئولوژی‌های معارض غلبه یابد.

اما در دوران مشروطه این اتفاق به گونه دیگری رقم خورد. در واقع مشروطه را دچار تنش و تعارض کرد. همان‌گونه که بیان شد، میدان مشروطه میدان معارضه دست کم دو تفکر قرار گرفت که ناهمراستایی آنها مشکل ساز شد. فریدون آدمیت، مورخ و نگارنده کتاب «ایدئولوژی نهضت مشروطه» ایدئولوژی غالب در جریان این نهضت را «دموکراسی سیاسی» می‌داند و از آن تعبیر به نیرومندترین عنصر ایدئولوژیک در آن دوره می‌کند. روشنفکران در مرکز این تفکر قرار داشتند و معمولاً با نام «ترقی خواهان» خطاب می‌شدند. این عناصر که رهبران آنها متأثر و تعلیم دیده اروپا بودند تصور خود از مشروطیت را مبتنی بر الگوهای استقرار یافته در کشورهای اروپایی اتخاذ کرده بودند و مدل ایده‌آل

آنان برای ایران، تحقق مشروطه سلطنتی بود که نظیر آن در برخی کشورهای اروپایی حاکم شده بود. در کنار این تفکر که مستمراً توسط انطباعات و نشریات آن دوران تبلیغ می‌شد، رفته‌رفته برخی علما نیز با هدف رفع استبداد به این جنبش پیوستند. برخی نقش روحانیت در این جنبش را تا انتها غیر قابل مقایسه با حرکت روشنفکران بر می‌شمرند.

از جمله همین فریدون آدمیت که از مورخان تجددگرای وابسته به حکومت سابق است، تصریح می‌کند از آنجا که هدف اولیه مشروطه تحقق مدلی از دموکراسی غربی بود و با توجه به اینکه علما و روحانیون شناخت چندانی از ماهیت چنین سیستم سیاسی نداشتند، نمی‌توان آنان را در زمره مبتکران مشروطیت به حساب آورده‌با این وجود تأثیرگذاری همراهی و پشتیبانی شان قابل انکار نیست.

دیدگاه دیگری نیز در این میان وجود دارد که به عکس نگرش فوق، علما را در نهضت مشروطه دارای سهم کلیدی می‌داند و بلکه آغاز این نهضت را نیز با کوشش علما متصور است. امام خمینی (ره) از جمله افرادی است که آغاز و پیشبرد ابتدایی مشروطیت را به دست علما می‌داند.»در جنبش مشروطیت همین علما در رأس بودند. اصل مشروطیت اساسش از نجف به دست علما و در ایران به دست علما شروع شد و پیش رفت آنقدر که آنها می‌خواستند مشروطه تحقق پیدا کند و قانون اساسی در کار باشد، لیکن بعد از آنکه شد، دنباله‌اش گرفته نشد. مردم می‌طرف بودند، روحانیون هم رفتند هر کس سراغ کار خودش.»

چه علما را در نهضت مشروطه دارای نقش اساسی بدانیم و چه اهمیت آنان را در این نهضت کم‌رنگ جلوه دهیم؛ این مسئله قابل انکار نیست که در مشروطیت، هدف‌گذاری نخستین الگو گرفته از مدل‌های غربی بوده و متجددان وطنی نیز نقش مهمی در ترسیم خواست نهضت مشروطه ایفا کرده‌اند. این در حالی است که در فرآیند انقلاب اسلامی، ایدئولوژی مکتبی با تلاش شاگردان امام خمینی(ره) از چندین سال قبل انقلاب به عنوان اساس مبنای رویکرد ساختاری ترویج شد و عملاً مجال ترویج عقایدی در غیریت با آن و در عرض آن گرفته شد. گرچه گفتمان‌های ایدئولوژیک معارض همچون ناسیونالیسم یا مارکسیسم بسیار کوشیدند تا در فرآیند انقلاب اسلامی خود را عرضه



تحقیق مشروطیت در شرایطی رقم خورد که غیر از تهران در اغلب شهرهای رخ داده در تهران وجود نداشت



# اندیشه

در بُعد تئوریک بر خلاف انقلاب که از آبشخور ناب اسلامی و تفکر شیعی تغذیه می‌شد، محوریت ابتدایی مشروطیت بر اندیشه ترقی، تجددخواهی و فراهم کردن بستر دموکراسی غربی به عنوان آرمان نهضت قرار گرفت



سه‌گانه «مکتب، رهبری و انقلاب»

به مثابه ارکان انقلاب

در همه این حوادث و بانگ‌های وسیع‌تر در سرگذشت ۱۱ساله نظام اسلامی و اساساً در پیدایش این نظام و مقدمات آن و مبارزاتی که به آن منتهی شد، صحنه پر‌داز اصلی و عامل حقیقی، همانا اسلام، عقیده، ایمان و تربیت اسلامی است. هم ملت ایران که با قیام شجاعانه‌اش در برابر نظام سلطه جهانی و برضد ابرقدرت‌های شرق و غرب، کاری عظیم و بی‌سابقه انجام داد، هم رهبر و قائد عظیم‌الشان این انقلاب که مثل کوه در برابر همه باد‌های مخالف ایستاد و هجوم طوفان‌ها را شکست، اما خود کمترین تکلیفی نخورد؛ هم نظام نوین اسلامی که توانست کشور را بدون اندک تکیه‌ای به بیگانگان اداره کند و جنگی را که محل تلاقی نیروهای شرق

و غرب بر ضد او بود و نزدیک به سه‌چهارم سالیان پس از پیروزی را فرا گرفت، بدون گرایش به هیچ طرف و فقط با تکیه بر خود، شرافتمندانه و با عزت و پیروزی به پایان بزد، همه و همه توان خود را از اسلام گرفته‌اند و اسلام جوهر اصلی این حوادث شگفت‌آور و مایه حقیقی قدرت و صلابت و عزتی است که ایران و ملتی و رهبر و رهبر و انقلاب و نظام ما در تاریخ معاصر از خود بروز داده‌اند.

(در کنار این) بزرگ‌ترین اهرم پیشبرد انقلاب اسلامی، حضور عظیم توده‌های میلیونی مردم در عرصه‌های انقلاب بود که با ایمان بافت و عمیق از یکسو و معرفت و آگاهی بالا از سوی دیگر، به ن‌های رهبران لیبیک گفتند و در پرتو هدایت‌های روشنگرانه و پیامبرگونه او، صبر و مقاومت و استقامت را پیشه خویش ساخته و عاقبت شاهد گوازی پیروزی بر نظام سلطه را نوشیدند.

پیام رهبر انقلاب به مناسبت اولین سالگرد در تحال حضرت امام خمینی (ره) ۱۰ خرداد ۱۳۶۹



را در مبارزات مشروطیت طی کردند. طیف روشنفکران حامی مشروطه علاوه بر درس آموختگان غرب شامل گروهی از هنرمندان همچون محمدتقی بهار، ابرج میرزا، عارف قزوینی، میرزا هاشمی و بخشی از روزنامه‌نگاران همچون ملک‌المتکلمین و جهانگیر سراسر افریل می‌شد که هدایت افکار عمومی را طی نهضت به واسطه مطبوعات در دست داشتند.

در دیگر سویی روحانیون مشروطه‌خواه قرار دارند که نقش زیادی در تحریک مردم به قیام علیه استبداد ایفا کردند و البته گناه به عنوان مآرضانی برای اهداف و تفکرات عارف‌قزوینی، میرزا هاشمی و بخشی از روزنامه‌نگاران همچون ملک‌المتکلمین و جهانگیر سراسر افریل می‌شد که هدایت افکار عمومی را طی نهضت به واسطه مطبوعات در دست داشتند.

در دیگر سویی طیف روحانیون مشروطه‌خواه قرار دارند که نقش زیادی در تحریک مردم به قیام علیه استبداد ایفا کردند و البته گناه به عنوان مآرضانی برای اهداف و تفکرات عارف‌قزوینی، میرزا هاشمی و بخشی از روزنامه‌نگاران همچون ملک‌المتکلمین و جهانگیر سراسر افریل می‌شد که هدایت افکار عمومی را طی نهضت به واسطه مطبوعات در دست داشتند.

در دیگر سویی طیف روحانیون مشروطه‌خواه قرار دارند که نقش زیادی در تحریک مردم به قیام علیه استبداد ایفا کردند و البته گناه به عنوان مآرضانی برای اهداف و تفکرات عارف‌قزوینی، میرزا هاشمی و بخشی از روزنامه‌نگاران همچون ملک‌المتکلمین و جهانگیر سراسر افریل می‌شد که هدایت افکار عمومی را طی نهضت به واسطه مطبوعات در دست داشتند.

در دیگر سویی طیف روحانیون مشروطه‌خواه قرار دارند که نقش زیادی در تحریک مردم به قیام علیه استبداد ایفا کردند و البته گناه به عنوان مآرضانی برای اهداف و تفکرات عارف‌قزوینی، میرزا هاشمی و بخشی از روزنامه‌نگاران همچون ملک‌المتکلمین و جهانگیر سراسر افریل می‌شد که هدایت افکار عمومی را طی نهضت به واسطه مطبوعات در دست داشتند.

در دیگر سویی طیف روحانیون مشروطه‌خواه قرار دارند که نقش زیادی در تحریک مردم به قیام علیه استبداد ایفا کردند و البته گناه به عنوان مآرضانی برای اهداف و تفکرات عارف‌قزوینی، میرزا هاشمی و بخشی از روزنامه‌نگاران همچون ملک‌المتکلمین و جهانگیر سراسر افریل می‌شد که هدایت افکار عمومی را طی نهضت به واسطه مطبوعات در دست داشتند.

در دیگر سویی طیف روحانیون مشروطه‌خواه قرار دارند که نقش زیادی در تحریک مردم به قیام علیه استبداد ایفا کردند و البته گناه به عنوان مآرضانی برای اهداف و تفکرات عارف‌قزوینی، میرزا هاشمی و بخشی از روزنامه‌نگاران همچون ملک‌المتکلمین و جهانگیر سراسر افریل می‌شد که هدایت افکار عمومی را طی نهضت به واسطه مطبوعات در دست داشتند.

در دیگر سویی طیف روحانیون مشروطه‌خواه قرار دارند که نقش زیادی در تحریک مردم به قیام علیه استبداد ایفا کردند و البته گناه به عنوان مآرضانی برای اهداف و تفکرات عارف‌قزوینی، میرزا هاشمی و بخشی از روزنامه‌نگاران همچون ملک‌المتکلمین و جهانگیر سراسر افریل می‌شد که هدایت افکار عمومی را طی نهضت به واسطه مطبوعات در دست داشتند.

در دیگر سویی طیف روحانیون مشروطه‌خواه قرار دارند که نقش زیادی در تحریک مردم به قیام علیه استبداد ایفا کردند و البته گناه به عنوان مآرضانی برای اهداف و تفکرات عارف‌قزوینی، میرزا هاشمی و بخشی از روزنامه‌نگاران همچون ملک‌المتکلمین و جهانگیر سراسر افریل می‌شد که هدایت افکار عمومی را طی نهضت به واسطه مطبوعات در دست داشتند.

در دیگر سویی طیف روحانیون مشروطه‌خواه قرار دارند که نقش زیادی در تحریک مردم به قیام علیه استبداد ایفا کردند و البته گناه به عنوان مآرضانی برای اهداف و تفکرات عارف‌قزوینی، میرزا هاشمی و بخشی از روزنامه‌نگاران همچون ملک‌المتکلمین و جهانگیر سراسر افریل می‌شد که هدایت افکار عمومی را طی نهضت به واسطه مطبوعات در دست داشتند.

صراط

آیت‌الله جوادی آملی:

مکلف به برهان هستیم نه عرفان



در هفته‌ای که گذشت، آیت‌الله جوادی آملی خطاب به نهمین گردهمایی اساتید علوم عقلی پیامی صادر کردند که در بخشی از آن به نسبت برهان و شهود پرداخته‌اند. در ادامه بخشی از این پیام آمده است: «تکلیف ما همین ظاهر آیات قرآن و استدلال است. ما برهان داریم، او حقیقتی است، موجود خارجی و نامتناهی است اما این موجود خارجی، موجود خارجی به حمل اولی است نه به حمل شایع نامتناهی به حمل اولی است نه به حمل شایع. ما مکلف به برهان هستیم نه به عرفان. بنابراین آن منطقه، منطقه ممنوعه است. به هیچ وجه نمی‌شود رفت. ما حداکثر خودمان را مشاهده می‌کنیم. خدا مرحوم صدرالمطهرین را غریق رحمت کند! در همان جلد اول اسفار دارند. حالا بر فرض شما به مقام فنا رسیدید، مقام فنا که به معنای نابودی نیست، یعنی این شخص هست.»رسد آدمی به جایی که به جز خدا نبیند» هیچ کسی را نمی‌بیند، اما به هر حال هست. این موجودی که هست، به اندازه خود می‌بیند. او که اندازه خود ندارد! پس معلوم می‌شود ظهور او را می‌بیند، فیض او را می‌بیند، جلوه او را می‌بیند. آن که اندازه دارد ظهور اوست، نه خود او. ما مکلف به عرفان نیستیم، عرفان ذات مستحیل است. حرف ایشان هم در جلد اول اسفار این است که اگر کسی به مقام فنا رسید، فنا به معنی نابودی نیست. این شیء به مقام فنا رسید، یعنی خودش را نمی‌بیند، ولی هست. این شیء اگر بخواهد مشاهده کند، به اندازه خودش مشاهده می‌کند. چیزی را مشاهده می‌کند که اندازه دارد و آن ظهور حق است. او اندازه‌پذیر نیست. بنابراین همین عقل می‌فهمد که ما به او دسترسی نداریم. وقتی به او دسترسی نداریم، چگونه احتجاج بکنیم؟! پس تنزل می‌کند که من با یک مرحله دیگری، با چیزی گفتگو و مواجه می‌کنم و او را مقام فعل اوست و دین اوست. من با دین او احتجاج می‌کنم. همان طوری که دین او را یاری می‌کنم؛ آن تَنْضُرُ وَاَللّٰهُ يَنْضُرُکُمْ یعنی مکتب او را و دین او را من درباره دین او قرآن او احتجاج می‌کنم. به دین او می‌چون گرانگفتی که من چه باید بکنم؟ تو که دین داری، مکتب داری، حساب داری، حرف داری، پس تمام این احتجاج‌ها می‌افتد در مقام فعل حق که فصل سوم است و «منطقه افرات» است و گر نه ذات اقدس الهی منطقه ممنوعه است. صفات ذات که عین ذات است منطقه ممنوعه است. برهان بخواهی اقامه کنی الی ماشاءالله چندین کتاب نوشته و نوشتم. بشود داشته باشی، در‌های سهم نداری، برای اینکه آن مثال، اندازه ندارد یا همه یا هیچ. هم‌ه‌اش مستحیل است، پس هیچ.»

کتاب اندیشه

کتاب «دانش انسانی اسلامی یا دانش انسانی سکولار»

منتشر شد

کتاب «دانش انسانی اسلامی یا دانش انسانی سکولار» با موضوع تأملی بر تحقق پذیری علوم انسانی اسلامی به همت اندیشکده برهان منتشر شد.

کتاب «دانش انسانی اسلامی یا دانش انسانی سکولار» با موضوع تأملی بر تحقق‌پذیری علوم انسانی اسلامی به همت اندیشکده برهان منتشر روانه بازار نشر گردید. این کتاب که کار مجموعه کتاب‌های اندیشنامه جنبش نوم افزایی و حاصل تلاش جمعی از پژوهشگران اندیشکده برهان است در ۶۸ صفحه و در دو فصل، از سوی انتشارات دیدمان به زور طبع آراسته گردیده است. «علوم انسانی اسلامی یا سکولار» و «علوم انسانی اسلامی» امکان یا امتناع «عناوین فصل‌های دوگانه این کتاب هستند. بخشی از مقدمه این کتاب می‌خوانیم: «علوم انسانی



اسلامی، به‌اعتبار «موضوع» اسلامی نیست زیرا موضوع این علم همان موضوع علوم انسانی سکولار است و در این جهت، تفاوتی میان آنها نیست. توضیح اینکه موضوع‌های هر یک از شاخه‌های مختلف علوم انسانی، «قوم» و «ذاتی» این علوم هستند و در صورت تغییر موضوع، اساساً «علم» مورد نظر تغییر می‌کند و به علم دیگری تبدیل می‌شود. در اینجا مقصود از موضوع یک علم آن کلیتی است که علم مورد نظر آن را در کانون مطالعه خود قرار داده است و به مسائل مرتب بر آن می‌پردازد. به‌عنوان مثال، موضوع «جامعه‌شناسی اسلامی» همچون موضوع «جامعه‌شناسی سکولار» «جهان اجتماعی» است. هر سنتی و صنفی از جامعه‌شناسی به دلیل اینکه علم «جامعه‌شناسی» است، ناگزیر باید به مطالعه «جهان اجتماعی» بپردازد و آن را به‌عنوان موضوع خود برگزیند، بنابراین از یکسو «ایدئولوژی»‌های مرتب بر هر یک از شاخه‌های مختلف علوم انسانی نمی‌تواند مدخلیتی در نوع «موضوع»‌های این شاخه‌ها داشته باشد و از سوی دیگر، نوع «موضوع»‌های هر یک از شاخه‌ها نیز تأثیری بر «ایدئولوژی»‌های مرتب بر آنها ندارد. به سخن دیگر، ما در این مسیر با دو تعبیر روبرو هستیم: یکی تعبیر «جامعه‌شناسی اسلام» و دیگری تعبیر «جامعه‌شناسی اسلامی». «جامعه‌شناسی اسلام» به معنای مطالعه علم «جامعه‌شناسی» قرار می‌گیرد. در این صورت، جامعه‌شناسی اسلام یکی از مسئله‌های حوزه «جامعه‌شناسی دین» خواهد بود. مقصود ما از تولید علم چنین امری نیست، چرا که این صورت از علم، محقق و موجود است و گام برداشتن در راستای آن تحصیل حاصل است. بسیاری از جامعه‌شناسان کلاسیک و متأخر غربی، با تکیه بر انگاره‌ها و چارچوب‌های نظری جامعه‌شناسی دین، به مطالعه و تحلیل «اسلام» به‌عنوان یک دین پرداخته و در باب آن بسیار سخن گفته و نوشته‌اند. حتی پاره‌ای از جامعه‌شناسان مسلمان وطنی نیز با تکیه بر مایه‌های جامعه‌شناسی غربی، به مطالعه اسلام پرداخته‌اند اما در تعبیر دوم «جامعه‌شناسی اسلامی» مقصود آن است که اسلام، به‌عنوان یک دین، ساختار درونی جامعه‌شناسی به‌عنوان یک علم را نکون ببخشد و نوع خاصی از علم جامعه‌شناسی را تأسیس نماید که به سبب خصوصیات ماهوی و ذاتی اش، با جامعه‌شناسی سکولار متفاوت است. هر دو تعبیر، متضمن تولید علم است اما تفاوت در تعبیر نخست، تولید

شدن علم سکولار است و رهاورد، تعبیر دوم، تولید شدن علم دینی و اسلامی.» علاقه‌مندان جهت تهیه این کتاب و کسب اطلاعات بیشتر می‌توانند با شماره تلفن ۰۲۱-۲۶۱۵۳۳۹۱ تماس حاصل نمایند.